



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## تأثیر رابطه صمیمانه معلم-دانش آموز بر انگیزه و پشتکار در فرایند یادگیری

مریم اکبری

لیسانس، آموزگار پایه اول، مدرسه شهیدان برادران روحانی

### چکیده:

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است که تعلیم و تربیت و ساختن انسان مطلوب و مؤثر را در جامعه به عهده دارد. برای پرورش افراد مطلوب، نیاز به یک نظام آموزشی کارآمد است که اجزاء و عناصر آن اعم از مواد درسی، دانش آموز، معلم، وسایل آموزشی، فضا و غیره با یکدیگر ارتباط متقابل دارند تا اهداف مورد انتظار تحقق یابد. از طرف دیگر، تدریس و آموزش از نظر ماهیت یک نظام ارتباطی متقابل است و مدرسه به سان گروه پویایی، درصدد آماده کردن افراد برای ورود به جامعه در سطح بسیار گسترده تری است. کلاس درس نیز به عنوان یک گروه کوچک اجتماعی و کوچک ترین خرده سیستم اجتماعی در نظام آموزشی دارای خصوصیات و ویژگی های منحصر به فردی است که آن را از سایر سازمان ها و نهادهای اجتماعی متمایز می کند. این خرده سیستم بدنبال تحقق اهداف آموزشی - تربیتی است، از این رو نیاز به مدیریت دارد. انگیزه تأثیر مستقیمی روی تلاش برای رسیدن به اهداف مشخص دارد. در واقع انگیزه اهداف مشخصی را ترسیم می کند که افراد برای رسیدن به آن تلاش می کنند. بنابراین انگیزه روی انتخاب هایی که دانش آموزان می کنند تأثیر می گذارد. انگیزه باعث می شود تلاش و انرژی دانش آموز افزایش یابد و شروع یک کار و ادامه دادن آن را ممکن سازد. بنابراین تدریس می بایست فرآیندی باشد که دانش آموزان را به کنترل یادگیری خود مشتاق سازد و همچنین، سطوحی از کنترل را که مناسب با توانایی های هر دانش آموز در انجام تکالیف یادگیری خاص است، فراهم آورد. بخش عمده ای از نقش معلمان، ایجاد محیطی امن، اعتماد بخش و حمایت آمیز است که با ابراز علاقه، توجه و ملاحظه خالصانه به هر دانش آموز به وجود می آید. تحقق اهداف نباید به صورتی باشد که در بازی یادگیری برخی از دانش آموزان برنده و برخی دیگر بازنده باشند. در افزایش فضای امن و حمایت آمیز، بر جسته کردن ارزش فضیلت های دانش آموزان، همراه با مهارت ها، و توانایی های منحصر به فردشان و ارزش فرآیند یادگیری و تکالیف یادگیری اهمیت دارد.

کلیدواژه: رابطه، صمیمی، معلم، پشتکار، یادگیری



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در دنیای پیچیده امروز هیچ کس بینای از تعلیم و تربیت نیست، امروز فعالیت در مدرسه و آموختن، خود بخش عظیمی از زندگی انسان هاست، دیگر نمی توان با طرز تلقی گذشته به شاگرد و تربیت او نگریست. اگر معلم با اصول و مبانی و هدف های تعلیم و تربیت، ویژگی های دانش آموزان و نیازهای آن ها و روش ها و فنون تدریس آشنایی نداشته باشند، هرگز قادر نیستند به عنوان سازندگان جامعه ایفای نقش کنند. مهم ترین عامل توسعه پرورش ذهنی علمی در یک جامعه نظام آموزشی است. در این نظام از بدو ورود تا آخرین دوره تخصصی، اخلاق علمی، اجتماعی، شیوه برخورد با مسائل و مشکلات به طور آموزش داده می شود. مدرسه روابط انسانی را که موجب ایجاد تعادل فکری در فرزند می شود ترغیب می کند و به دانش آموزان این احساس را می بخشد که متعلق به گروه معینی هستند و در این گروه نقش مهمی دارند. در کلاس هایی که در آن روابط انسانی نیکو وجود دارد، محیط مطلوبی ایجاد می کند که دانش آموزان در داخل آن شکفته می شوند و معلم که بیش از هر شخص دیگری در ایجاد روابط انسانی نیکو مؤثر است، باید به گونه ای باشد که در سایه تعادل احساساتی خویش، با دانش آموزان تفاهم پیدا کند. معلم باید بتواند ارتباطی سالم و دو طرفه برقرار نماید تا سبب تبادل افکار و احساسات شده و در قبال آن به انتقال مفاهیم و دانش مورد نیاز دانش آموزان بپردازد و آنها را در فرایند یادگیری راهنمایی نماید و این برقراری ارتباط مؤثر جز با مدیریت اثربخش و توانای معلم ممکن نخواهد شد. پس لازم است که معلمان با شیوه های مدیریت کلاس و مهارت های ارتباط با دانش آموزان آشنا بوده و برحسب موقعیت و فضای کلاس آن را به نحو مطلوب به کار ببندد.

## مدیریت کلاس

- مدیریت کلاس درس، طیف وسیعی از تکنیک ها و روش هایی است که برای تسهیل در آموزش، بالابردن مدت زمان یادگیری، ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان و خلل آفرین و حاکمیت نظم و انضباط در کلاس، به کار برده می شود. (۱)

## سازماندهی و مدیریت کلاس درس

سازماندهی کلاس به نظم و ترتیب درسی و اجتماعی دانش آموزان در کلاس درس اشاره می کند. معلمان در کلاس ها با دانش آموزانی مواجهند که از لحاظ توانایی ها و میزان پیشرفت با یکدیگر مشابه یا کاملاً متفاوت اند.

اهمیت و تاثیر مدیریت کلاس درس بر کارایی معلم تأثیر مستقیمی دارد، تا آنجا که برای معلمان مبتدی و تازه کار زمان زیادی به این امر اختصاص می یابد. صرف چنین زمانی برای مدیریت و سازماندهی کلاس موجب کاهش زمان فعال برای یادگیری دانش آموزان می شود.

معلمان به منظور آنکه زمان غیر آموزشی در کلاس درس را به کمترین مقدار برسانند، باید درس را در وقت مقرر شروع و تمام کنند. وقفه های بین فعالیت های کلاس را به کمترین حد برسانند، قواعد و قوانین معنا دار و کار آمدی را تدوین و اجرا کنند و کلاس را چنان نظم بخشند که رفتارهای مخرب شاگردان را هر چه بیشتر کاهش دهند. یک معلم زمانی در مدیریت کلاس موفق می شود که نه تنها به گونه ای موفقیت آمیز در مقابل مشکلات رفتاری دانش آموزان واکنش نشان دهد، بلکه در پیشگیری از بروز مشکلات توانا باشد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شیوه‌های مدیریت کلاس

معلمان بر رفتار اجتماعی و یادگیری دانش‌آموزان نیز از طریق انتخاب فعالیت‌ها و نحوه‌ی سازمان دادن برای انجام فعالیت‌ها نظارت دارند معلمان از دوتنوع نظارت بهره می‌جویند:

۱- نظارت بر کلاس از راه فعالیت‌های آموزشی

۲- نظارت بر رفتار اجتماعی در کلاس (برقراری انضباط)

اغلب این دو نظارت از هم جدایی ناپذیرند، اما معلمان می‌توانند با هر نوع فعالیت آموزشی و یادگیری نوعی نظارت را بر دانش‌آموزان اعمال کنند.

شیوه‌های نظارت بر کلاس از راه فعالیت‌های آموزشی

۱- تلاش در اجتماعی کردن دانش‌آموزان با توصیه برخی نقش‌های آنان و منع برخی دیگر.

۲- سازمان دادن به فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان مانند ابراز عقیده و دفاع از آن، پیگیری یک بحث و حل مسأله و...

۳- تعیین فعالیت‌ها با وقت معین و محدود.

۴- وادار ساختن دانش‌آموزان به یادداشت برداری، تهیه کار برگ با نتایج مشخص و قابل پیش بینی.

۵- درباره‌ی نتایج کارها، اطلاعات تمام را در اختیار دانش‌آموزان قرار دادن.

۶- اگر معلم متوجه شود که کلاس او در حال شلوغ شدن است باید مکث کند، خیره شود، به آرامی صحبت کند و نوع فعالیت‌ها را تغییر دهد.

۷- در کلاس که نظم و انضباط سالم برقرار است معلم دستور نمی‌دهد، بلکه رفتارهای ناپسند دانش‌آموزان را از طریق فرایند حل مسأله هدایت و اصلاح می‌کند. (۲)

برقراری انضباط یا نظارت بر رفتارهای اجتماعی در کلاس

در مفهوم کلی، انضباط روش‌های کنترل یک سازمان یا مجموعه است. برقراری نظم و انضباط در کلاس درس شاید از مهم‌ترین مسائل هر معلم باشد و هر معلم روش‌های متفاوتی برای موفقیت در این امر دارد. تحقیقات و شواهد نشان داده‌اند که روش‌های خشن اعم از تنبیه، محروم کردن دانش‌آموزان کلاس و ... نتایج آنی و شاید غیر موثر داشته‌اند. روش‌های انضباطی موثر آن است که در استفاده‌ی آن روش‌ها بتوان به نتایج مطلوب و مورد نظر دست یافت.

در ادامه چندین روش مناسب انضباطی بر شمرده می‌شود:

۱- اعمال روش‌های انضباطی در محیطی دور از ترس و ارعاب: در این روش حرمت انسانی افراد حفظ شده و آنها مقاومت کمتری در برابر این روش‌ها خواهند داشت.

۲- چشم پوشی از مسائل جزئی و امور کوچک: مدیر، مربی یا معلم باید از بین مشکلات، مسائل عمده و اصلی را برگزینند و نسبت به همه‌ی مسائل حساسیت نشان ندهد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳- رعایت انضباط شخصی: فردی که می‌خواهد اقدام به برقراری انضباط در یک محیط بکند، باید در ابتدا در رعایت انضباط شخصی موفق باشد. معلم منضبط نه تنها اسوه خواهد بود، بلکه خود با مشکلات انضباطی به طور ملموس درگیر و سطح توقعات خود را در سطح توانمندی‌های دانش‌آموزان قرار خواهد داد.

۴- تکریم شخصیت افراد: از آنجا که عزت نفس بالاتر منجر به ایجاد رفتار اجتماعی مناسب‌تر می‌شود و چون ایجاد عزت نفس با پذیرش بی قید و شرط افراد و رفتار توأم با محبت و احترام و صمیمیت مرتبط است، برای آنکه افراد خودشان و با یک انگیزه‌ی درونی تمایل به رعایت و پذیرش قوانین را داشته باشد، باید شخصیت آنها را گرمی داشت و به عنوان یک انسان برایشان ارزش قائل بود. (۳)

۵- تنبیه رفتارهای نامطلوب: گاهی در بعضی شرایط استفاده از شیوه تنبیهی به عنوان یک روش انضباطی اجتناب ناپذیر است، اما در این شرایط باید حتی الامکان روش‌هایی نظیر حذف شرایط مثبت و توبیخ ملایم کلامی و ... مورد استفاده قرار گیرد. تنبیه به طور غیر مستقیم نوعی تشویق افراد وظیفه شناس و منضبط است.

۶- استفاده از شیوه‌های تدریس جذاب و مفهیم جالب و مفید در کلاس: کارهای یکنواخت، موضوعات درسی نامربوط و قدیمی و روش‌های تدریس ملال‌آور عاملی است در خستگی دانش‌آموزان از کلاس درس که این امر به فعالیت‌های غیر مفید منجر می‌شود. با استفاده از روش‌های جذاب و مفید در درس ضمن یادگیری مؤثر و ثمربخش کلاس منضبط و پرشور خواهد شد.

۷- آگاهی دانش‌آموزان از انتظارات معلم: معلمان باید اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموزانشان روش کار آنها را می‌دانند و آنها را می‌فهمند. هرگز دو معلم با انتظارات و توقعات یکسان پیدا نمی‌شود. انتظارات متفاوت و ارائه‌ی روش‌های کار ناهماهنگ، دانش‌آموزان را با مشکلاتی مواجه می‌کند

۸- آگاهی معلمان از اوقاتی که مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد: معلمان باید بدانند که چه زمانی مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و اعمال غیر عادی انجام می‌دهند. مثلاً هنگام ورود به کلاس، هنگام خاتمه‌ی درس، در زمین بازی، وسط هفته یا در آخر هفته و ... با اطلاع از این اوقات معلمان می‌توانند روش‌ها و عکس‌العمل‌های مناسب با آن را داشته باشند.

## سبک‌های مدیریت در کلاس

سبک معلم، مجموعه‌ای از رفتارها و دیدگاه‌هایی است که وی برای به وجود آمدن بهترین وضعیت ممکن برای انجام آموزش به کار می‌گیرد. نقش اولیه معلم هنگام انجام فعالیت آموزشی، نقش مدیریتی است. معلم موفق کسی است که می‌تواند یک موقعیت را ارزیابی نموده، با آگاهی نسبت به اهداف آموزشی و شرایط محیطی، عاطفی و متفاوت سبک‌های مناسب را در کلاس تجربه کند و با بهره‌گیری از تجارب خود بهترین و مناسب‌ترین سبک را با توجه به هدفها و انتظارات برگزیند. در این راستا، سبک‌های مدیریتی زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

### ۱- سبک مدیریت مقتدرانه - استبدادی

معلمی که در مدیریت کلاس خود از سبک مقتدرانه - استبدادی استفاده می‌کند، دانش‌آموزان را بسیار محدود و کنترل می‌کند. دانش‌آموزان غالباً در تمام مدت آموزش در صندلی‌های خود می‌نشینند. میزها و صندلی‌ها معمولاً در یک ردیف و به صورت سنتی چیده شده‌اند و هیچ انحرافی در چیدن میزها وجود ندارد. این معلم به ندرت اجازه خارج شدن از کلاس را به دانش‌آموزان می‌دهد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و هیچ عذری را برای غیبت نمی‌پذیرد. غالباً کلاس او آرام است. دانش‌آموزان می‌دانند که نباید مزاحم معلم شوند. آنان نباید هیچ صحبت و یا بحثی در کلاس داشته باشند. دانش‌آموزان معلم مقتدر فرصتی برای یادگیری تا تمرین مهارت‌های ارتباطی ندارند. این معلم انضباط سخت را ترجیح می‌دهد و انتظار اطاعت محض دارد. ایستادن در برابر این معلم، منجر به نگهداری دانش‌آموز در مدرسه یا ارجاع موضوع به دفتر مدیر مدرسه می‌شود، در این کلاس دانش‌آموزان دستورها رامستقیماً دریافت می‌کنند و حق هیچ‌گونه سؤالی ندارند.

در نهایت، هیچ‌گونه نشانی که این معلم مقتدر- مستبد از دانش‌آموزانش حمایت کند وجود ندارد. دانش‌آموزان چنین معلمی به ندرت تشویق می‌شوند یا جایزه می‌گیرند. هم چنین او هیچ کوششی برای سازماندهی فعالیت‌های آموزشی در کلاس انجام نمی‌دهد و این احساس را دارد که موارد ذکر شده مانع یادگیری دانش‌آموز می‌شود. وی اعتقاد دارد که دانش‌آموزان باید فقط به سخنرانی او برای کسب اطلاعات ضروری گوش دهند. احتمالاً دانش‌آموزان کلاس او از شروع فعالیت بیزارند، برای این که آنها احساس ضعف می‌کنند و اعتماد به نفس لازم را ندارند. این معلم به دانش‌آموزانش می‌گوید چه کار کنند و چه وقت کار کنند. او خود تمام تصمیمات کلاس را می‌گیرد. بنابراین سبک مدیریت او به ندرت باعث پیشرفت انگیزه یا تنظیم اهداف مشخصی می‌شود.

## ۲- سبک مدیریت اقتدار گرایانه - مشاوره‌ای

معلم سبک مستبد - مشاوره‌ای محدودیت‌ها و کنترل‌هایی برای دانش‌آموزان وضع نموده، اما هم زمان استقلال فردی را تشویق می‌کند. این معلم اغلب دلایل وضع قوانین و تصمیمات را توضیح می‌دهد. اگر دانش‌آموزی مزاحم کلاس است، مؤدبانه، اما سخت و محکم، او را سرزنش می‌کند. این معلم بعضی اوقات قوانین انضباطی خارج از کلاس را وضع می‌کند. معلم اقتدارگر، مشاوره‌ای هم چنین شرایطی برای تعامل زبانی بین دانش‌آموزان، نظیر بحث‌های انتقادی را فراهم می‌کند. دانش‌آموزان می‌دانند که می‌توانند هنگام تدریس معلم از او سؤال کنند. این محیط فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. معلم در این سبک، نگرش مثبتی درباره دانش‌آموزان، شرح علایق و احساسات آنها دارد. کلاس او با تشویق و جایزه توأم است. او غالباً روی تکالیف دانش‌آموزان توصیه‌هایی می‌نویسد و باز خورد مثبت به دانش‌آموزان می‌دهد. این معلم اقتدارگرا، اعتماد به نفس شایسته اجتماعی را تشویق می‌کند و انگیزه پیشرفت سطح بالا را پرورش می‌دهد. غالباً او دانش‌آموزان را از طریق پروژه‌ای هدایت می‌کند. دانش‌آموزان درباره چنین معلمی می‌گویند: «این معلم را دوست داریم، او منصف است و می‌فهمد که دانش‌آموزان نمی‌توانند بی‌نقص باشند. او معلمی است که شما می‌توانید بدون هیچ‌گونه خجالتی مسائل و مشکلات را با او در میان بگذارید.»

## ۳- سبک مدیریت آزاد منشانه

معلم آزادمنش کنترل و محدودیت کمی بر دانش‌آموزان دارد. او تلاش می‌کند به احساسات دانش‌آموزان آسیبی نرساند و در گفتن نه یا تحمیل قوانین به دانش‌آموزان مشکل دارد. اگر دانش‌آموزی مزاحم کلاس می‌شود، ممکن است فرض کند که او توجه کافی به دانش‌آموز نداشته است وقتی دانش‌آموزی حرف او را قطع می‌کند، او بر این باور است که دانش‌آموز مطمئناً چیز با ارزشی برای گفتن در کلاس دارد. چنین معلمی انضباط پیشنهادی رامی‌پذیرد، با دانش‌آموزان سر و کله می‌زند و خیلی مراقب آنهاست. او بیشتر متوجه احساسات دانش‌آموزان است تا اینکه آنها را کنترل کند. بعضی اوقات تصمیم‌گیری‌های کلاسی‌اش را بیشتر بر اساس



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

احساسات دانش‌آموزان تنظیم می‌کند تا بر مسائل آموزشی. او می‌خواهد دوست دانش‌آموزان خود باشد. او حتی ممکن است روابط خارج از کلاس را تشویق کند. او یک مشکل زمانی برای تنظیم مرز میان زندگی حرفه‌ای و زندگی خصوصی دارد. به هر حال، این آزادی بیش از حد در کلاس، به مهارت و شایستگی اجتماعی و کنترل شخصی می‌انجامد. یادگیری مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزانی که معلم آنان خیلی آمرانه عمل می‌کند، بسیار مشکل است. دانش‌آموزان غالباً این نوع معلم را دوست دارند. یک دانش‌آموز مدرسه راهنمایی درباره این معلم می‌گوید: «این معلم محبوب همه است، دانش‌آموزان مجبور نیستند همواره در کلاس جدی باشند. بعضی اوقات از کلاس خارج می‌شود و ما اصلاً چیزی یاد نمی‌گیریم».

#### ۴- سبک مدیریت بی تفاوت

معلم بی تفاوت خیلی درگیر کلاس نمی‌شود. این معلم تقاضای کمی دارد و به کلاس‌هایش علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. معلم بی تفاوت نمی‌خواهد بردانش‌آموزان نفوذ داشته باشد. به این ترتیب، او احساس می‌کند که آمادگی کلاس ارزش تلاش و کوشش را ندارد. او اغلب از همان مواد آموزشی سال‌های قبل استفاده می‌کند.

هم چنین نظم و انضباط کمی در کلاس چنین معلمی وجود دارد. این معلم ممکن است فاقد مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم باشد. دانش‌آموزان نگرش‌های معلم بی تفاوت را احساس و درک می‌کنند.

در کلاس چنین معلمی یادگیری خیلی کم صورت می‌گیرد. هر کس در کلاس حرکت و زمان را تلف می‌کند. در یک چنین محیطی دانش‌آموزان فرصت خیلی کمی برای مشاهده یا تمرین مهارت‌های اجتماعی دارند. با توجه به انتظارات کمی که از آنها می‌رود، نظم و انضباط در چنین کلاسی خیلی کم است. دانش‌آموزان انگیزه اندکی برای پیشرفت دارند و از نظر کنترل شخصی کمبود دارند. دانش‌آموزی درباره کلاس چنین اذعان می‌کند: «این معلم نمی‌تواند کلاس را کنترل کند و ما هیچ‌وقت چیزی در آن جا یاد نمی‌گیریم. تکالیف سختی در کلاس گفته می‌شود و افراد به ندرت کتاب‌هایشان را همراه می‌آورند».

چنین معلمی هر سال از طرح درس‌های مشابه و یکسان برای همه درس‌ها استفاده می‌کند. هیچ وقت زحمت به روز کردن آنها را به خود نمی‌دهد. برای او روزها مثل هم هستند. هنگام تدریس، نخست بیست دقیقه از وقت کلاس را به روش سخنرانی اختصاص می‌دهد. بعضی اوقات او می‌خواهد فیلم یا اسلاید نشان دهد وقتی این کار را می‌کند، آنرا جانشین سخنرانی خود نماید. اگر زمانی باقی مانده باشد، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد به آرامی مطالعه و با یکدیگر صحبت کنند. آنان دردسری برای او ایجاد نمی‌کنند و به ندرت متوجه می‌شود که مسؤول تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است. (۱۲)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ارتباط معلم با دانش آموز

تعاریف ارتباط

ارتباط از نظر معنوی به معنای ربط دادن، پیوند دادن، اشتراک داشتن و تجربه ی مشترک به کار رفته است. حتی در فرهنگ معین ۱۹ لغت برای آن موجود است.

- ارتباط عبارت است از فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده با استفاده از علامت به منظور تأثیر و کنترل و هدایت. (۶)  
- ارتباط عبارت است از فرایند مبادله ی اطلاعات و احساسات، مبادله بر وزن مفاعله، امری است طرفینی و دو جانبه. پس ارتباط جریانی است متقابل. (سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران).

نقش دانش آموز در برقراری ارتباط با معلم

وقتی دانش آموز نمی داند چگونه از معلم خود تقاضایی کند و یا عقیده متفاوتی را با او در میان بگذارد، به این نتیجه می رسد که نمی تواند با معلم خود ارتباط برقرار کند و بنابراین ناسازگاری و پرخاشگری می کند و یا ارتباط خود با معلم و کلاس را به طور کلی قطع می کند. اما وقتی همان دانش آموز یاد بگیرد که چگونه با معلمش ارتباط برقرار کند، روند کار کلاس شیرین و جذاب می شود و معلم و شاگرد هر دو در کنار هم، نه در مقابل هم به سوی هدف پیش می روند. وقتی ارتباط صمیمانه باعث درک متقابل بین معلم و شاگرد می شود، آن وقت است که می توان امیدوار بود که استعداد همه دانش آموزان شکوفا شود. لذا دانش آموزان باید سعی کنند در برقراری ارتباط با معلم موفق شوند. در این زمینه راهکارهایی نیز می تواند ثمر بخش باشد:

- هرگز دانش آموز با معلم به گونه ای صحبت نکند که معلم حس کند می خواهد او را راهنمایی کند. چرا که این کار این معنی را به ذهن معلم تداعی می کند که نمی داند چه باید بکند.

- دانش آموز درخواست ها را با جملات مثبت و غیر دستوری بیان کند: مثلاً «استادا! نمی دانید وقتی عجله نمی کنید چه قدر ما خوشحال می شویم (برای وقتی که معلم با سرعت درس می دهد).

- اگر معلم در تدریس دچار اشتباه شد، بهتر است دانش آموز وقت دیگری به تذکر دادن بپردازد.

- همکاری دانش آموز با معلم در روند آموزش از قبیل کنفرانس، شرکت در بحث های گروهی و.... می تواند رابطه معلم و دانش آموز را مطلوب و نزدیک گرداند.

- معلم زمانی که احساس کند مورد نیاز دانش آموز است، انگیزه بهتری پیدا می کند و دانش آموزان باید به معلم نشان دهند که چقدر به او نیاز دارند و برای او احترام قائل هستند.

- دانش آموز باید به معلم بفهماند که چقدر علاقه دارد که یاد بگیرد و به دانش معلم نیاز دارد چرا که معلم (در زمینه درس خود) اطلاعاتی بیشتر از دانش آموز دارد (۵)

مهارت های ارتباط با دانش آموز

آموزش بدون ایجاد رابطه معنایی نخواهد داشت. معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد. توصیه میشود که معلمان به تأثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش های انگیزشی دانش آموزان توجه کنند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به عنوان مثال: اگر محبت در کلاس شکل یک مسؤولیت اجتماعی به خود گیرد، دانش‌آموزان به یکدیگر کمک می‌کنند و مواظب یکدیگر هستند.

گلاس عقیده دارد بدون شکوفایی محبت و ارزش وجود، تشکیل یک هویت موفق ناممکن است (بهرنگی، ۱۳۷۰، ص ۲۹۲). بنابراین مهارت‌های ارتباط با دانش‌آموز، از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز یک معلم کارآمد می‌باشد. در ادامه راهکارهایی در ایجاد ارتباط با دانش‌آموز بیان می‌شود (۷)

## ۱- ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموز

اولین هدف معلم باید برقراری رابطه مطلوب، دوستانه و حمایت‌کننده با دانش‌آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعادل میان معلم و دانش‌آموز حاصل می‌آید. طبق نظریه اندیشمندان، باید معلم در روز اول به دانش‌آموزان نشان دهد که به آنها علاقه دارد و می‌تواند به او اعتماد کنند. چون هر برخوردی با دانش‌آموز در تصور آنها نسبت با معلم مؤثر است، لذا معلم باید همه اوقات برای ایجاد رابطه مثبت تلاش کند.

## ۲- اجتناب از تنبیه شدید و مکرر

معلمی که رابطه خوبی با دانش‌آموز دارد هرگز برای آموزش به تنبیه اتکا نمی‌کند، تنبیه شیوه‌ای است که در نزد اندیشمندان علوم تربیتی مورد تأیید نیست، بلکه به استفاده از جایگزین برای تنبیه و یا روش‌های غیر تنبیهی سفارش می‌شود. یکی از راه‌های تنبیه خفیف، استفاده صحیح از روش محروم کردن است. مثلاً اگر دانش‌آموزی مزاحم دیگران است، می‌توان از او خواست که به آخر کلاس برود و دور از همکلاسی‌هایش بنشیند. بدین ترتیب دانش‌آموز از موقعیتی که رفتار ناپسندش را تقویت می‌کند، بیرون برده می‌شود.

## ۳- پرهیز از پیش‌داوری‌های غیر منصفانه

گاهی معلمان در بعضی از زمینه‌ها پیش‌داوری می‌کنند. برای پرهیز از این گونه موارد، معلم باید صادقانه به آنچه باور دارد اعتراف کند و تلاش کند در بین دانش‌آموزان خود تفاوت قائل نشود. بدیهی است که معلم نیز باید روش‌های آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیازهای متفاوت دانش‌آموزان سازگار نماید.

## ۴- ابراز علاقه و توجه به دانش‌آموزان

برای اثر بخشی امر آموزش و برقراری ارتباط مناسب بین دانش‌آموزان، معلم باید نشان دهد که به آنها علاقه و توجه دارد و از فعالیت با ایشان لذت می‌برد، معلم می‌تواند با حضور در فعالیت‌های فوق برنامه تحصیلی دانش‌آموزان علاقه خود را به آنها نشان دهد، با این کار دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و یا شکست‌هایشان در امر تحصیل مورد احترام و توجه قرار می‌گیرند.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵- ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند، در رابطه خود با دانش‌آموزان بسیار موفق هستند. دانش‌آموزان معلمی را می‌خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش‌بینی باشد. حتی دانش‌آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده‌اند، باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند.

۶- داشتن انتظاراتهای بالا و ممکن

معلمی که می‌خواهد با دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و سازنده داشته باشد، باید اعتقاد به قابلیت‌ها را در آنها پرورش دهد. واگذار کردن فعالیت‌های نسبتاً دشوار به دانش‌آموزان، واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آنها کم است و... از راه‌هایی است که قابلیت‌های بالای دانش‌آموزان را نسبت به خودشان القا می‌کند (۱۳)

نظریه ی انتظار معلم

معلمان گاهی اوقات با رفتارهای خویش به شکل‌گیری ادراک کفایت در دانش‌آموزان یاری می‌رسانند گاهی معلمان از دانش‌آموزان ضعیف انتظاراتهای کمتری دارند و این امر را به صورت‌های گوناگون خواسته و ناخواسته به آن‌ها نشان می‌دهند. برای مثال به آن‌ها فرصت کمتری برای بحث کردن می‌دهند و یا آن‌ها را در انتهای کلاس می‌نشانند همین‌طور از دختران نسبت به پسران همواره انتظاراتهای کمتری در موفقیت فعالیت‌های آموزشی دارند. از دیگر مواردی که ممکن است بر انتظاراتهای معلم از دانش‌آموز موثر باشد موقعیت اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموز، رشد جسمی آن‌ها و از این قبیل است. به‌طور کلی اغلب انتظاراتهای معلمان از دانش‌آموزان غیر منطقی است و بر پایه‌ی پیش‌فرض‌ها و داوری‌های غیر منطقی استوار است. اما اگر معلمی خواهان چنین برخوردهایی هم نباشد برای خود دانش‌آموزان مسلم فرض می‌شود و نمی‌توانند از آن‌ها چشم‌پوشی کنند. یکی از راه‌هایی که برای رفع چنین امری توصیه می‌شود این است که معلم اسامی دانش‌آموزان را بر روی کارت‌هایی بنویسد و قبل از هر پرسشی کارت‌ها را زیر و رو کند و اسم هر کس در بالا قرار گرفت از او پرسش مربوطه را بنویسد به این ترتیب همه‌ی دانش‌آموزان اطمینان می‌یابند که تبعیضی در میان‌شان صورت نمی‌گیرد و سوال‌های آسان و دشوار از پیش‌برای افراد خاص در نظر گرفته نمی‌شود. دشواری اساسی در مورد انتظار معلم از دانش‌آموز آن است که این انتظارات اغلب بر پایه‌ی دریافتی سطحی از رشد کودک استوار است و معلم به‌طور معمول نظرات خود را به صورت یک طرفه به دانش‌آموزان انتقال می‌دهد. (۴)

نظریه ی اسناد

طبق این نظریه موفقیت و شکست فرد در کارهای گذشته‌ی خود به‌طور مستقیم بر ادراک کفایت و اثرات بعدی آن تأثیری ندارد بلکه اسناد موفقیت و شکست فرد در پیش‌بینی نتایج مطلوب بعدی موثر است. در واقع باورهای فرد در مورد چرایی موفقیت و شکست خود برای شناخت انگیزش آینده‌ی فرد مهمتر است. به‌طور کلی دانش‌آموزان موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به عوامل زیر نسبت می‌دهند: توانایی و ناتوانایی، تلاش کردن و کاهلی کردن، آسانی یا دشواری تکلیف، شانس و اقبال، این چهار اسناد را از سه دیدگاه می‌توان ارزیابی نمود که روشن‌گر تأثیر آن‌ها بر انتظاراتهای فرد است ابتدا می‌توان آن‌ها را به عنوان اسنادهای درونی و بیرونی لحاظ نمود. اسنادهای درونی به خود شخص اشاره دارند در حالی که اسنادهای بیرونی به عواملی خارج از فرد مورد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اسناد مربوط هستند. دوم اسنادهای پایدار و ناپایدار: یک اسناد پایدار در طی زمان و در شرایط مختلف همچنان ثابت می ماند و اسناد ناپایدار همواره در تغییر است. مردم به طور معمول توانایی و ناتوانی را یک ویژگی پایدار می دانند همچنین در مورد دشواری و آسانی تکلیف نیز بر این نظر هستند. سوم اسنادهای قابل کنترل و غیر قابل کنترل تقسیم نمود. در واقع شخص می تواند به طور آگاهانه موقعیتی را در راستای هدفی مطلوب هدایت کند و یا به آن قادر نیست. تلاش یا کاهلی تنها اسنادی است که به طور معمول قابل کنترل محسوب می شود دانش آموز می تواند تلاش خود را برای امروز نسبت به دیروز افزایش بخشد اما در مورد توانایی یا ناتوانایی چنین نیست. زیرا چیزی است که بتدریج برای فرد حاصل می شود و فرد قادر نیست تا کنترل آگاهانه و قابل نظارت بر آن داشته باشد. (همان، ۲۳)

## نظریه ی کنترل اولیه

هنگامی تحقق دارد که دانش آموز برای تقبل مسولیت و موفقیت در آن تلاش می کند. افرادی دارای کنترل اولیه هستند که از کنترل درونی برخوردارند و باور دارند که می توانند در محیط خود تاثیر بگذارند. راه دیگر تشخیص کنترل اولیه فرایندی است که در روند آن فرد محیطش را چنان دگرگون می سازد که با علاقه ها، نیازها و خواسته هایش تطابق یابد. کنترل اولیه هنگامی بهترین نتیجه را به بار می آورد که فرصت های واقعی برای تصمیم گیری و انتخاب وجود داشته باشد. (همان، ۲۸)

## نظریه ی یادگیری اجتماعی

ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن است که بنیاد نظریه ی یادگیری اجتماعی را تشکیل می دهد. افرادی که ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن را می فهمند از کنترل درونی برخوردارند در واقع این افراد باور دارند که می توانند بر محیط خود تاثیر بگذارند. در مقابل افرادی که خود را در این روند ناتوان می دانند و ما بین عمل خویش و بازتاب محیط ارتباطی را نمی شناسند از کنترل بیرونی برخوردارند. از نظر گاه یادگیری اجتماعی کسانی که گرایش درونی دارند از ادراک کنترل بیشتری برخوردارند. مطالعات نشان داده است که گرایش کنترل درونی به موارد زیر می انجامد: پیشرفت تحصیلی، نمرات بالا، پشتکار و تلاش، توجه به تکالیف. لازم به تذکر است که ساختار کنترل (درونی و بیرونی) در این نظریه ارتباطی با فرصت های واقعی برای کسب کنترل ندارد. (همان، ۲۷)

## چگونگی روابط میان معلم با دانش آموزان

### افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش آموز

توجه به راهبردهای غیر درسی از این نظر اهمیت دارد که به معلم اجازه می دهد تا محبت و احترام خود را نسبت دانش آموزان از توانایی و عملکرد تحصیلی آن ها جدا کند. اگر همه روابط در زمینه ی تحصیلی دور بزند دانش آموزان کارآمدتر نسبت به همکلاسی های خود در ایجاد رابطه ی مفید با معلم از فرصت های بیشتری برخوردار خواهند بود. در حالی که همه ی دانش آموزان نیاز دارند تا مورد احترام و علاقه ی معلمشان قرار بگیرند حتی اگر رفتار و نگرش های آن ها همیشه مورد تایید معلم نباشد. در واقع دانش آموزانی که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند نسبت به همکلاسی های خود به داشتن رابطه ی مثبت با معلم بیشتر نیازمندند در ایجاد رابطه ای مطلوب و مفید با دانش آموزان، معلم با تاکید بر موقعیت های غیر تحصیلی می تواند توجه و احترام خود را به طور



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مساوی میان دانش آموزان تقسیم کند. دستیابی به موقعیت برای برقراری رابطه با دانش آموزانی که دشواری های تحصیلی و رفتاری دارند شاید دشوار باشد من می توانم یک خاطره ی ناخوشایندی درباره ی یک نوجوان تازه وارد به دبیرستان به یاد آورم که طی ده ثانیه ی اول ورود خود به کلاس ایجاد اختلال می کرد اما مشکل این بود که این نوجوان به راحتی چنین لحظاتی را در اختیار نمی گذاشت بنابراین تصمیم گرفتم هر روز قبل از ورود به کلاس کنار در بایستم و با جمله های کوتاه و خوشایند به دانش آموزان بتوانم قبل از این که نوجوان مزبور فرصت یابد تا اختلالی ایجاد کند تعامل مثبتی را با او داشته باشم. در واقع معلمان نباید همواره در انتظار فرصت های تصادفی باشند بلکه خود نیز باید ابتکار به خرج دهند و چنین فرصت هایی را ایجاد کنند به ویژه این امر برای دانش آموزانی لازم است که در حالت معمول کمتر قادرند تا تحسین معلم را متوجه خود کنند. تصریح می گردد که هدف معلم باید ایجاد رابطه ای غیر مشروط با دانش آموز باشد. بر عکس اندیشه بسیاری کسان، دانش آموزان نباید در جستجوی کسب احترام از معلم باشند، بلکه معلم تعهد حرفه ای دارد، که بدون در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش آموزان با همه ی آن ها رفتار خوبی داشته باشد. البته مقصود این نیست که معلم باید رفتار های نا مناسب را در نظر نگیرد، بلکه هدف آن است که رفتار نا مناسب دانش آموز نباید باعث قطع روابط محبت آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش آموز و معلم گردد. مانند والدین که حتی اگر فرزندانشان خطایی مرتکب شوند، باز هم محبت آنها را در دل خواهند داشت.

## اجتناب از تحسین و تمجید افراطی

شاید یکی از شایعترین عقاید در حرفه معلمی مربوط به نتایج مثبت تحسین و تمجید باشد. دانش آموزان در ازای کار های زیادی مانند درست نشستن در کلاس، پاسخ صحیح به پرسشها و غیره مورد تحسین قرار می گیرند، اما اثر تمجید و تحسین، آن چنان که از استفاده گسترده آن برداشت می شود، ساده و مستقیم نیست. معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می کنند، دانش آموزان را به وابستگی به خود تشویق می کنند و در واقع به آنها القا می کنند که تنها هنگامی که در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد. تغییر چنین الگویی ممکن است برای معلمان مشکل باشد، زیرا سالهاست که روشی معمول در مدارس است، اما با این حال می توان به کمک نماد های غیر کلامی این عادت را تغییر داد. یکی از راهبردها برای معلمانی که می خواهند به هنگام باز خورد دادن به دانش آموزان، میزان تحسین را کاهش دهند، استفاده از نماد غیر کلامی است. یک نماد خنثی مانند کار تو عالی است از معنای فرهنگی بر خوردار نیست. نماد می تواند هر گونه معنایی را که معلم بخواهد در بر داشته باشد. بنابراین اگر چند بار اول که معلم کار دانش آموز را علامت می گذارد به وی بگوید: کار تو عالی است. دانش آموز می آموزد که علامت گذاری را به عنوان نمادی از تحسین کلی تعبیر کند. اما اگر معلم پس از چند بار علامت گذاری بگوید: این حروف به ما کمک می کند تا به خاطر آوریم که شما امروز تکلیف را در وقت معین انجام داده ای، دانش آموز آن را به عنوان روش ثبت سابقه نسبت به موفقیت های تحصیلی خود خواهد داشت. در واقع هدف آن است که باز خورد اطلاعاتی به دانش آموز داده شود تا در شناسایی آن چه به خوبی انجام داده است و این که چه وقت و چگونه موفق بوده است، به او کمک کند. معلم علاوه بر به کار گیری علایم با نماد های غیر کلامی می تواند فقط بخشهای موفق از عملکرد دانش آموزان را مورد تحسین قرار دهد. برای مثال، به جای این که روی نقاشی دانش آموز بنویسد: کارت خوب است، می تواند بنویسد: با استفاده از سایه روشن که به نقاشی ات عمق بخشیده کار جالبی انجام داده ای. یا به جای آن که در بالای صفحه محاسبات ریاضی بنویسد: خیلی پیشرفت داشته ای، می تواند بنویسد: دفعه گذشته در ضربهای ۷ ضرب در ۶ و ۷ ضرب در ۸ اشکال داشتی، اما حالا دیگر مشکلی نداری و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بر ضرب این اعداد تسلط پیدا کرده ای . بدیهی است که این عبارات نیز تحسین آمیزند ، اما تحسین مزبور بیشتر به آن چیزی متوجه است ، که دانش آموز آن را به خوبی انجام داده است ، نه این که تعریف و تمجید کلی از جانب معلم باشد .

## شناساندن عوامل موفقیت و شکست

یکی از راه هایی که می توان به میزان وابستگی دانش آموزان پی برد این است که آن ها موفقیت های خود را به معلم نسبت می دهند برخی می گویند چون معلمشان خوب بوده است رتبه ی بالایی آورده اند و یا چون معلمشان به آن ها کمک کرده است در کارشان موفق بوده اند . برخی از دانش آموزان که موفقیت خود را به معلم نسبت نمی دهند خوش شانسی یا سادگی کار را دلیل موفقیت خود می دانند . آن چه در تمام این موارد مشترک است گرایش خارجی آن ها است . دانش آموزانی که موفقیت های خود را به چنین عواملی نسبت می دهند بر این باورند که علل موفقیت آن ها بیرون از خودشان است . از نظر انگیزشی اسناد خلاق یعنی ارزش دادن به خود و موثر دانستن توانایی و تلاش شخصی در موقعیت های تحصیلی . معلم از طریق ارزش دادن به دانش آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می تواند آن ها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند . به طور مثال اگر دانش آموزی در بازی بسکتبال دو پرتاب موفق داشته باشد معلم می تواند به او بگوید تمرین هایی که دیروز انجام دادی در پرتاب های امروزت موثر بود . یا قوتی دانش آموز مقاله ی خوبی می نویسد به او بگوید حتماً وقت زیادی برای تهیه ی مقاله ات صرف کرده ای . جمله بندی ، نقطه گذاری و نکات دستوری آن بی نقص هستند . در این دو مثال موفقیت دانش آموزان به تلاش آن ها نسبت داده شده است همچنین می توان دانش آموزان را تشویق کرد تا موفقیت هایشان را به توانایی های خود نسبت دهند . برای مثال اگر دانش آموزی در موضوعی خاص دارای ادراک خوبی است باید توجه او را به توانایی اش جلب نمود . همان طور که لازم است به دانش آموزان کمک کرد تا موفقیت های خود را به توانایی خود نسبت دهند در مورد شکست های خود نیز باید چنین کنند دانش آموزان باید بیاموزند تا شکست هایشان را به عدم تلاش و نه عدم توانایی نسبت دهند . بنابراین اگر دانش آموزی در امتحان شکست خورد نباید شکست خود را انکار کند بلکه باید آن را بپذیرد اما لازم است آن را ناشی از عدم تلاش خود بدانند . برای مثال شاید نیاز باشد که بیشتر مطالعه کند معلم باید هنگام صحبت پیرامون شکست دانش آموز بر آن چه که در کنترل فرد است و برای کسب موفقیت می تواند با آن برخورد کند تاکید نماید . (۹)

## اجتناب از تنبیه شدید و مکرر

معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش آموزان داشته باشند ، یعنی رابطه ای که موجب افزایش انگیزش تحصیلی آن ها شود ، برای آموزش رفتار مناسب نباید بر تنبیه متکی باشند . اغلب تنبیه ها با هدفی فراتر از خجالت دادن و ناراحت کردن دانش آموزان در نظر گرفته می شوند . در گذشته دانش آموزان به دلیل بی توجهی به درس مورد تنبیه جسمی قرار می گرفتند و امروزه نیز با این که این گونه تنبیه ها کمتر رایج است ، اما بیشتر تنبیه ها به نحوی برای آزردن دانش آموزان صورت می گیرد . برای مثال نوشتن ۵۰۰ مرتبه جمله ( من ووسایلم را فراموش نمی کنم ) و یا رفتن به مدرسه در روز های تعطیل و یا ایستادن در گوشه کلاس و یا ماندن در مدرسه بعد از تعطیل مدرسه ، همگی مواردی هستند که موجب آزردهی دانش آموزان می شود . معلمانی که چنین تنبیه هایی را مقرر می کنند ، انتظار دارند که به نتایج مطلوب هم دست یا بند . برخی از معلمان که خود مایل به تنبیه دانش آموزان نیستند ، از والدین کودک می خواهند تا آنها را به دلیل رفتار نامناسب در مدرسه ، خود تنبیه کنند . در این موارد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به طور معمول والدین محرومیت هایی را برای کودک خود ایجاد می کنند ، که در نتیجه رابطه معلم و والدین با دانش آموز دچار اغتشاش می شود . اگر چه والدین باید از نحوه عملکرد فرزندان خود در مدرسه آگاه باشند ، اما نباید از والدین خواست تا آنها را تنبیه کنند . روش بهتر آن است که کاری کنیم تا والدین با امر آموزش فرزند خود درگیر شوند . باید آنان را ترغیب کرد تا کودک را به دلیل انجام تکالیفش در منزل تشویق کنند . باید دانش آموز را به کتابخانه ببرند و به او کمک کنند تا کتاب های مربوط به یک تکلیف را بیابد و از راه های گوناگون او را برای به دست آوردن موفقیت های کوچک در مدرسه تشویق کنند . معلمانی که برای موفقیت درسی کودکان به این شکل از والدین استفاده می کنند ، در یاری رساندن به دانش آموزان خود موفق تر هستند . بر عکس معلما نی که همواره در انتظار شکست یا رفتار نامطلوب دانش آموز هستند ، اغلب بیشتر باعث می شوند تا مشکلاتی به وجود آید . اگر چه به ظاهر شاید این طور به نظر آید که معلم نباید هرگز دانش آموزان را تنبیه کند ، اما در واقع دوری کامل از راهبر های تنبیه شاید دشوار باشد . معلمان باید چگونگی استفاده از روش های انضباطی و تنبیه های خفیف را بیاموزند ، البته به گونه ای که به روابط میان معلم و دانش آموز آسیبی نرساند . برای دوری کردن از عوارض زیانبار تنبیه ، ابتدا باید خیلی کم از آن استفاده شود . معلمی که از تنبیه به عنوان اولین و تنها راهبرد برخورد با دانش آموزان استفاده می کند به انگیزش تحصیلی آن ها آسیب شدیدی می رساند . با این حال هنگامی که در کنار استفاده از روش های غیر تنبیهی ، رفتار نامناسب دانش آموزان همچنان ادامه می یابد . در این صورت باید تنبیه جزئی باشد و فقط به عنوان هشدار از آن بهره گرفته شود . هدف آن است که دانش آموز در یابد از مرز رفتار مورد قبول فراتر رفته است و امکان دارد رفتار ناراحتی های جسمی و روانشناختی را برای دیگران باعث شود . در واقع تنبیه باید بیشتر از آن که واقعی باشد ، نمادی باشد . یکی از راه های تنبیه خفیف ، استفاده صحیح از روش محروم کردن است . به طور مثال وقتی دانش آموزی با مدادش به پشت همشاگردی خود که در جلوی او نشسته است ، می زند ، معلم می تواند خیلی آرام به وی نزدیک شود و مدادش را بگیرد و به او بگوید : میتوانی مدادت را در آخر وقت کلاس از من بگیری . به این طریق وی را از وسیله ای محروم کرده ایم ، که با آن دوستش را اذیت می کرده است . همین طور اگر دانش آموزی مزاحم دیگران است ، می توان از او خواست تا به آخر کلاس برود و دور از دانش آموزان بنشیند . البته باید وی را چنان در این مسیر هدایت کرد ، تا دیگران متوجه نشوند . به ایت ترتیب دانش آموز از موقعیتی که رفتار نا پسندش را تقویت می کند بیرون برده می شود . به طور معمول لازم است تا دانش آموز چند دقیقه ای در محل جدید باشد تا در مورد رفتار مزبور بیندیشد . بعد به طوری که دیگران متوجه نشوند ، می توان به دانش آموز نزدیک شد و به آرامی از او پرسید : فکر می کنی چرا از تو خواستم در این جا بنشینی ؟ معلم باید منتظر می شود تا پاسخی مناسب بشنود . سپس وی را با مهربانی به جای خود باز می گرداند . لازم است گفته شود که در این روش منظور این نیست که دانش آموز به خاطر از دست دادن چیز با ارزشی احساس نا خوشایندی پیدا کند ، بلکه منظور انتقال این موضوع به دانش آموز است که رفتارش از حد قابل قبول تجاوز کرده است و معلم اجازه نمی دهد تا چنین رفتاری ادامه یابد . گاهی لازم است تا دانش آموز را از کلاس بیرون فرستاد و این به هنگامی است که او از رفتن به آخر کلاس خودداری می کند . اگر چنین دانش آموزی از کلاس هم بیرون نرود ، باید از ناظم مدرسه خواست تا او را از کلاس بیرون ببرد . اما در این حالت نیز نباید دانش آموز را با این قصد بیرون فرستاد که مورد بازداشت قرار گرفته است . یا کاری اضافی را باید انجام دهد . بلکه دانش آموز باید به دفتر مدرسه برود و در جایی به آرامی بنشیند و لازم است تا فردی بزرگسال هم نزد وی باشد . اما نباید دانش آموز دیگری همراه وی باشد . بعد از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ، مدیر یا مشاور مدرسه باید از او بپرسد چرا به دفتر فرستاده شده است ؟ اگر بتواند علت آن را توضیح دهد ، باید خیلی ساده به کلاس برگردد . البته بیرون کردن دانش آموز از کلاس باید هنگامی صورت گیرد ، که دیگر تلاش ها با شکست مواجه شده است . دور از انتظار نیست که اغلب معلمان در به کار گیری این روش تنبیهی با



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشکل مواجه می شوند و تعداد اندکی نیز از آن استفاده می کنند. بر عکس اشکال سنتی تنبیه مثل بازداشت، تعلیق و تکلیف اضافی به طور عمده در نظام آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال اگر این روش های تنبیهی موفق بودند، رفتار های نامطلوب باید کاهش می یافتند. در حالی که مشاهده می شود، که چنین نیست، و بی علاقه دانش آموزان همواره افزایش می یابد. گزارش های مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین این امر را تایید می کند. به طور کلی دانش آموزانی که اغلب به شدت مورد تنبیه قرار می گیرند به دو صورت پاسخ می دهند. اول آن که آنها می آموزند که دیگر انسان ها را می توان از طریق تهدید و آزار و اذیت کنترل کرد و در نتیجه رفتارهای پرخاشگرانه در مدارس افزایش می یابد، و یا شیوه تسلیم و اطاعت را پیش می گیرند. که این امر موجب بی علاقه آنها نسبت به فعالیت های تحصیلی بر می گردد. بنابراین پیام آن است که هر چه معلم کمتر از تنبیه استفاده کند بهتر است. در موارد نادر هم که تنبیه جزئی ضرورت می یابد، معلم می باید تلاش کند تا عصبانی نشود. مردم اغلب به هنگام عصبانیت به دیگران پرخاش می کنند. برخی از معلمان نیز ممکن است دانش آموزان را مورد توهین، تهدید و تحقیر قرار دهند. چنین مواردی حتی می تواند بیش از تنبیه های جسمانی موجب ناراحتی دانش آموزان گردد. معلمانی که می توانند در لحظه های بحرانی بر خود مسلط باشند، قادرند با چنین موقعیت هایی سازگاری یابند، به طوری که روابط آنها با دانش آموزان دچار اختلال نشود. اما بسیار اتفاق می افتد که حتی آرام ترین و منطقی ترین معلمان هم به طور ناخواسته دانش آموزی را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند. در این موارد یک پوزش ساده از جانب معلم می تواند نتیجه خوبی داشته باشد و حتی روابط فیما بین را بهتر کند. من خود به خاطر می آورم که یک بار به یکی از دانش آموزانم پرخاش کردم و به او گفتم: بر گرد و خفه شو. دانش آموزان همگی بسیار تعجب کردند، چون تاکنون چنین رفتاری را از من مشاهده نکرده بودند. چند دقیقه بعد هنگامی که آرام گرفتم و آن دانش آموز به آرامی مشغول انجام تکالیفش بود، به نزد وی رفتم و از او پوزش خواستم و گفتم: از آن چه اتفاق افتاد متاسفم، من سعی می کنم با هیچکس این گونه صحبت نکنم. حدس می زدم که آن وقت از این که شما به درس توجه نداشتید، ناراحت شدم. هنگامی که معلم با دانش آموزان خود این گونه رفتار کند و مسئولیت رفتار نامناسب خود را بپذیرد، آنها نیز نه تنها تنبیه ها را فراموش می کنند، بلکه به اشتباهات خود هم پی می برند.

## اجتناب از شوخی

روش دیگر برای ایجاد رابطه مطلوب با دانش آموزان اجتناب از شوخی های زاید است. برخی از معلمان در برخورد با دانش آموزان بدرفتار از عبارات تمسخر آمیز استفاده می کنند. دانش آموزان در این موارد احساس می کنند که مورد تنبیه واقع شده اند. البته فرق نمی کند که این گونه شوخی ها برای آزردن و کنترل باشد و با ظاهری دوستانه داشته باشد. به ویژه این که کودکان و نوجوانان به طور معمول قادر به ادراک شوخیهای افراد بزرگسال نیستند و امکان دارد سخنان محبت آمیز آنان را تمسخر تلقی کنند. البته منظور این نیست، که در کلاس هیچ مزاحی نباید صورت گیرد، بلکه فقط نباید دانش آموزان مورد تمسخر قرار گیرند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پرهیز از پیش داوری های غیر منصفانه

معلمان نیز همچون دیگر انسان ها در بعضی زمینه ها پیش داوری هایی کنند. مثلاً این که تفاوت های ذاتی میان زن و مرد وجود دارد و یا آن که آن کس که موقعیت اجتماعی بهتری دارد، فرد برتری است و غیره، که البته همه این پیش داوری ها زیانبار است و برای از بین بردن آنها باید تلاش کرد.

اولین گام برای پرهیز از این گونه موارد، آن است که معلم باید صادقانه به آن چه باور دارد اعتراف کند. زیرا اگر آنها را انار کند، نمی تواند دانش آموزان خود را از عواقب ناخوشایند آن دور دارد. پس از آن، معلم باید تلاش کند تا بین دانش آموزان خود دیگر تفاوت نگذارد. برخی از دانش آموزان بیش از همکلاسیها به توجه معلم خود نیاز دارند. بدیهی است که معلم نیز باید روش های آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیاز های متفاوت دانش آموزان سازگار کند. روابط خصوصی معلم با برخی از دانش آموزان بسیار زیانبار است، زیرا دیگر دانش آموزان آن را نوعی تبعیض می شمارند. این امکان باید برای همه دانش آموزان فراهم باشد، اما به طور معمول معلمی که فرضاً به ورزش علاقمند است با دانش آموزان ورزش دوست بیشتر رابطه برقرار می کند و غیره. در حالی که معلم مسئولیت حرفه ای دارد که با همه شاگردان چنین رفتاری داشته باشد. حتی اگر همه دانش آموزان به طور یکسان به معلم واکنش نشان ندهند، اما معلم باید این فرصت را در اختیار همه ایشان بگذارد. (۱۰)

ابراز علاقه و توجه به دانش آموزان

معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می رود، به دانش آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت بلکه فقط باید به دانش آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می برد. برای مثال یک معلم دبیرستان به دانش آموزان خود گفت که روزهای بارانی موقع ناهار آن ها می توانند از اتاقش استفاده کنند. این معلم تا پایان سال تحصیلی به آن چه گفته بود عمل کرد. بسیاری از دانش آموزان اما نه همه ی آن ها دعوت او را برای صرف ناهار در اتاقی گرم پذیرفتند. حتی تعدادی از دانش آموزان کلاس های دیگر نیز به همراه دوستان خویش به آن جا می آمدند در حالی که دانش آموزان غذا می خوردند و همدیگر را ملاقات می کردند معلم نیز غذایش را می خورد و اوراق آن ها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر اسایش دانش آموزان خود را به درد سر اندازد بلکه اوبا این کار فقط علاقه ی واقعی خود را به آن ها نشان داده است. معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پرخاشگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آن ها به طور معمول قلم و دفترچه ی خود را به همراه نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت او با خود قلم هایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هر کسی می گذاشت همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام تلاش کوچکی از جانب وی بود. مهمترین نکته این بود که معلم با در اختیار گذاشتن قلم و کاغذ نشان می داد که درباره ی موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند. یکی از روشهای دیگر برای آن که معلم علاقه ی خود را به دانش آموزان نشان دهد حضور در برنامه های فوق برنامه ی تحصیلی ایشان است. برای مثال معلم با شرکت در بازی های دانش آموزان به آن ها نشان می دهد که از بودن در جمع آن ها لذت می برد. بنابراین شرکت مستقیم در فعالیت ها و یا قبول وظیفه ی جانبی و تشویق دانش آموزان آن ها را متوجه علاقه ی معلم به فعالی های آن ها می کند. به علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه های آخر هفته، تعطیلات و طرح های آینده دانش آموزان می تواند علاقه ی خود را به آن ها نشان دهد. همچنین صحبت های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین بازی و غیره با دانش آموزان نشان دهنده ی آن است که به آن ها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش آموز توجه می کند باعث می شوند



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تا دانش آموز وی را علاقمند به خود بداند دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن توانایی ها و یا شکست ها ایشان در امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند.

ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتار شان آرامش دارند در رابطه ی خود با دانش آموزان بسیار موفق هستند. دانش آموزان معلمی می خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش بینی باشد. معلمی که یک روز دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد موجب می شود تا دانش آموزان از در میان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش آموزان نباید شاهد بی ثباتی در رفتار معلم خود باشند. حتی دانش آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند. معلم باید با آن ها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی نظمی های آن ها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری بپردازد. در واقع معلمانی باید بیاموزند که کینه ی خود را دور بریزند و همان طور که دوست دارند دیگران خطای آن ها را ببخشند آن ها نیز از خطاهای دانش آموزان چشم پوشی کنند.

داشتن انتظاراتی بالا و ممکن

معلمی که خواهان رابطه ی مثبت و سازنده با دانش آموزان است باید اعتقاد به قابلیت ها را در آن ها پرورش دهد. راه های زیادی برای این منظور وجود دارد اول واگذاری کردن فعالی های نسبتاً دشوار به دانش آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آن ها اندک است و موجب افزایش توانایی های دانش آموزان می شود معلم اعتقاد خود را نسبت به قابلیت های دانش آموزان به آن ها القا می کند. بر عکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد ممکن است سبب شود تا دانش آموزان فکر کنند معلم آن ها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می داند. در حالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه ی اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش آموزان باشد. اما چنان چه آن ها نتوانند در آن ها موفقیت کسب کنند ارزش چندانی نخواهند داشت بنابراین باید دقت کند کارهای خیلی دشوار را که چندان امید موفقیت در آن ها نمی رود و به دانش آموزان واگذار نکند که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آن ها تقویت خواهد شد. استدلال آن ها چنین است که معلم تنها کاری را به من می دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی توانم آن را انجام دهم پس توانایی کمتر از حد انتظار است. معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش آموزان برای فعالی های آموزشی حمایت کند. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است که دانش آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند. (۸)

نقش رابطه معلم و دانش آموز در ایجاد انگیزه

یکی از چالشهای مهم موجود در آموزش ریاضی عدم برقراری ارتباط عاطفی مثبت بین معلم این درس و دانش آموزان است. متأسفانه این امر باعث به وجود آمدن تفکرات و دیدگاه های منفی در اذهان دانش آموزان و والدین آنها نسبت به درس ریاضی شده است. و ادامه این روند یعنی ناسازگاری در ارتباط مؤثر منجر به بی-علاقگی و حتی تنفر و انزجار بسیاری از افراد نسبت به درس ریاضی شده است اولین هدف یک معلم ریاضی در جو حاکم بر این درس، باید برقرار کردن رابطه ی مطلوب دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه و





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اولین دیدارهای دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم است. بنا بر این به آن توجه خاص داشت. معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند که تا هنگامی که دانش آموزان به او احترام نگذاشته اند در برابر آنها نخندد. زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که به دانش آموزان نشان دهید که به آنها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع نمایند. معلمان بر خلاف خلبانها و معمارها یا جراحها، آموزش فشرده ای در مهارتهای حرفه شان ندیده اند. به نوعی از آنان انتظار می رود که وقتی وارد کلاس می شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلمها خواسته می شود که در جریان فعالیت روزانه شان:

- (۱) انگیزه یادگیری ایجاد کنند.
  - (۲) مشوق خود مختاری باشند و عزت نفس را تقویت کنند.
  - (۳) از شدت اضطراب (anxiety) بکاهند و ترس را از بین ببرند.
  - (۴) یأس و نومیدی (frustration) را کم کنند.
  - (۵) سبب کاهش تعارضها و کشمکشها (conflict) شوند و خشم را فرو بنشانند.
- یکی از معلمها می گفت: «من از قبل می دانم که دانش آموز به چه چیزی نیاز دارد. من نیاز او را حس می کنم. او نیاز دارد قبولش داشته باشند. به او احترام بگذارند، دوستش داشته باشند. به او اعتماد کنند، او نیاز دارد که تشویقش کنند، پشتیبانی اش کنند، او را به فعالیت وا دارند و موجبات تفریح و خوشی اش را فراهم آورند تا بتوانند به کاوش و آزمایش بپردازند. و به نتایج موفقیت آمیزی برسند، عجب حکایتی است! او این همه نیاز دارد. و من تنها چیزی کم دارم، عقل و دانایی سلیمان است و بینش و فراست این سینا و علم و دانش خیام و ایثار و از خود گذشتگی فلو رانس نایتینگل» (۱۱)

سازگاری در ارتباط بین معلم و دانش آموزان چگونه ایجاد می شود؟

سازگاری در ارتباط می تواند تعلیم و تربیت را تغییر دهد. این سازگاری نه تنها بر رفتاریهای تدریس اثر می کند، بلکه یادگیری را عمیقا تحت تاثیر قرار می دهد. کاری که در بسیاری از مدارس ما شکل گرفته است و تمام نیروی آن در اختیار کودکان قرار گرفته و شخصیت آنها را غنی و زندگی شان را عزت و اجر می بخشد. معلمها، مانند خلبانها، معمارها، یا اطباء آموزش فشرده ای در حرفه شان دیده اند. بنابراین از آنان انتظار می رود وقتی که وارد کلاس می شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلمها خواسته می شود که در جریان فعالیت روزانه شان:

- انگیزه یادگیری ایجاد کنند، مشوق خودمختاری باشند
  - عزت نفس را تقویت کنند، اعتماد به نفس پدید آورند
  - از شدت اضطراب بکاهند، ترس را از بین ببرند و یأس را کم کنند
- معلمها، به مقدار زیادی کفایت و کاردانی در ارتباط محتاجند. معلمی که ذهن روشن و آگاه دارد نسبت به معنا و مفهوم واژه ها حساسیت نشان می دهد. او می داند موضوع درسی که دانش آموز یاد می گیرد اغلب به سبک کار معلم بستگی دارد. او از احساسات آگاه است و گفتار مناسبی دارد که از طریق آن درک و تفاهم را به دانش آموز انتقال می دهد. او نسبت به ارتباطی که دانش آموز را خراب می کند آزرژی دارد. او از سرزنش و شرمسار کردن دانش آموز پرهیز می کند و از اهانت و تشر زدن به او نفرت دارد. گفتار او خالی از هرگونه مکالمه مخرب و بیان غلط و اشتباه است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازگاری در ارتباط، نوعی موفقیت است و مستلزم یادگیری و تمرین و انضباط شخصی است. این امر متضمن تمرین بسیار است. این ادعا که در یک رابطه خوب، آدم می‌تواند هرچه دلش خواست بگوید بدون اینکه زبانی به کسی برسد، ادعایی تسلی بخش است، اما غلط است. به این باور می‌ماند که آدم وقتی سلامت و تندرست است می‌تواند هرچیزی را ببلعد بدون اینکه زبان ببیند حتی سم را.

## نقش معلم در رشد و تکامل دانش‌آموزان

معلمین در تکامل حس کوشش دانش‌آموزان از طریق واگذاری مسئولیت اداره کلاس، انگیزش فعالیت‌های جمعی، با شناخت و به‌کارگیری زمینه‌های ذوقی دیگر می‌توانند مؤثر باشند. هم‌چنین معلم می‌تواند حس اعتماد به نفس، استقلال وجودی، قریحه و ابتکار دانش‌آموزان خود را تقویت کرده و یا با تشویق خود، این زمینه‌ها را پررتر کند. به علاوه معلم می‌تواند از نظر اخلاق، رفتار، صداقت و سایر صفات مطلوب انسانی برای دانش‌آموزان الگویی مناسب شده و اثر وجودی و اخلاقی خود را در ذهن کودک گاهی تا سنین بالای زندگی استوار کند.

نقش معلم در سازندگی دانش‌آموز وقتی مؤثرتر و پررتر می‌شود که همکاری نزدیک و مکرر با والدین دانش‌آموز را داشته باشد و به‌صورت یک ارتباط متقابل، معلم مطالبی را درباره رفتار و خصوصیات خلقی کودک از اولیاء و آنها نکاتی را در زمینه مسائل آموزشی وی از معلم کسب کرده و در جهت رفع مشکلات او هم‌فکری نمایند. چنین هماهنگی در سنین و جهات مختلف رشد و تکامل دانش‌آموز، مثل رعایت نظم و انضباط، رقابت سالم با خواهر یا برادر، آموزش مسائل بهداشتی و بلوغ جنسی و رفتاری وی می‌تواند کارساز باشد.

## ویژگی‌های معلمان اثربخش

علمان باید استانداردهایی برای موفقیت تعیین کنند و دانش‌آموزان را آگاه سازند که از همه آنها انتظار می‌رود به این استانداردها دست یابند. این توصیه، دو موضوع بسیار با اهمیت را به یکدیگر پیوند می‌دهد: یکی تعیین استانداردهای هدفمند، یعنی استانداردهای مهم، چالش برانگیز و قابل حصول و دیگری انتقال انتظارات معلم به دانش‌آموز، یعنی انتظار دستیابی آنان به این استانداردها، این توصیه از این رو اهمیت دارد که علاوه بر پیشنهاد دستیابی به بعضی استانداردها، پیشنهادهای نیز برای اجتناب از استانداردهای دلخواه (۱) و ناپایدار (هوس برانگیز) (۲) دارد. هم‌چنین توصیه می‌کند، از استانداردهایی که برای دانش‌آموزان قابل حصول نیستند، دوری شود و از استانداردهایی که دانش‌آموزان بدون هیچ تلاشی می‌توانند به آنها دست یابند نیز پرهیز شود و سرانجام این که نباید انتظارات زیادی از دانش‌آموزان به خصوص گروه‌های کوچک تر دانش‌آموزی داشت.

## تشویق

دانش‌آموزان را باید به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می‌کنند، تشویق کرد. دانش‌آموزان، اغلب نه برای توجه و تلاش بیش تر ترغیب می‌شوند و نه به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می‌کنند، تشویق کرد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش آموزان اغلب نه برای توجه و تلاش بیشتر ترغیب می شوند و نه به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می کنند، پاداش می گیرند. تحسین ساده رفتارهای مطلوب، در بسیاری از موقعیت ها و برای بسیاری از دانش آموزان موجب تحیر و شگفتی می شود.

در صورت لزوم می توان از تقویت کننده هایی همچون کربن (۳) (token) که می توانند در ازای کالا یا خدمات معاوضه شوند و یا دادن وقت اضافی به دانش آموزان برای تمام کردن کاری که می خواهند انجام دهند، استفاده کرد

## یادآوری

باید به دانش آموزان کمک کرد تا راهبرد هایی را برای یادگیری اتخاذ کنند. به ویژه برای یادآوری آنچه تدریس شده است و به کارگیری آنچه یاد گرفته اند. به دفعات به دانش آموزان گفته می شود که چه چیزهایی را باید یاد بگیرند و برای یاد گرفتن، لازم است چه چیزهایی را بدانند یا انجام دهند. حتی ممکن است به آنها گفته شود که چرا مجبورند بعضی چیزها را یاد بگیرند. در حالی که اغلب، چگونه یاد گرفتن به آنها آموخته نمی شود.

راهبردهای زیر از جمله راهبردهایی هستند که می توان آنها را به دانش آموزان آموخت:

۱- راهبردهای تمرین ذهنی<sup>۱</sup>: یعنی به طور فعال برشمردن یا نام بردن چیزهایی که قرار است یاد گرفته شوند.

۲- راهبردهای تشریحی<sup>۲</sup>: روش های افزودن یا بسط دادن آنچه قرار است آموخته شود.

۳- راهبردهای سازمانی<sup>۳</sup>: شیوه های قرار دادن آنچه یاد گرفته می شود، در چارچوبی بزرگ تر.

۴- راهبردهای پایشی<sup>۴</sup>: طریقه های رسیدگی به پیشرفت خود در جهت یادگیری

معلمان کارا باید بتوانند، زمینه همه یا هر یک از راهبردها را برای دانش آموزان فراهم آورند.

نگه داشتن دانش آموز در فضای یادگیری

معلمان باید موقعیت هایی را در کلاس به وجود آورند که باعث حفظ و نگه داری (holding power) دانش آموزان در فضای یادگیری شوند.

چنین موقعیت هایی این امکان را فراهم می سازند که دانش آموزان به طور پیوسته در فرآیند یادگیری درگیر شوند و این درگیری مداوم یا بدیه عبارت دیگر، این موقعیت ها، قدرت نگاه داری و حفظ توجه و درگیری دانش آموزان را از مزاحمت ها و عوامل پرت کننده حواس حفظ می کنند. در این موقعیت ها، دانش آموزان به طور مداوم در یادگیری خویش مشارکت می کنند و نیازی نیست که برای آموزش، منتظر مساعدت دیگران بمانند. چنین موقعیت هایی متضمن فعالیت هایی هستند که از طریق آنها دانش آموزان می توانند، چیزهایی بسازند یا انجام دهند. به این طریق است که دانش آموزان به طور فعال درگیر یادگیری می شوند.

جلب توجه

<sup>1</sup> rehearsal

<sup>2</sup> elaboration strategies

<sup>3</sup> organizational strategies

<sup>4</sup> monitoring strategies



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در جریان ارائه مطالب ، معلمان باید از راهکارهایی که توجه دانش آموزان را جلب و آنها را درگیر یادگیری می کنند، بهره بگیرند.

معلمانی که در پی بهبود کارایی خود هستند، می توانند از راهکارهای متعددی استفاده کنند. آنها می توانند سوال هایی بپرسند و تکالیف کوتاهی بدهند برای این که شاگردانشان درباره آنچه ارائه می شود ، فکر کنند. در این مورد می توان به استفاده از تمرین های محاسبات ذهنی<sup>۵</sup> در کلاس های ریاضی و همچنین طرح سوال هایی که پاسخ آماده ندارند و سوال هایی که ایجاب می کنند دانش آموزان عقیده ای را بیان کنند و از آن دفاع نمایند، اشاره کرد. پاسخ به این گونه سوال ها معمولاً مستلزم آن است که دانش آموزان به جای اتکاء به پاسخ های برنامه ریزی شده و طوطی وار، درباره آنها فکر کنند. گاهی معلمان می توانند از دانش آموزان درباره پاسخی که دانش آموز دیگری داده است ، سوال کنند. در این صورت ، دانش آموزان باید از آنچه در کلاس مورد بحث قرار گرفته است ، آگاه شوند و هر لحظه ، آماده مشارکت در گفت و شنود کلاس باشند. (۶)

## حرکت در بین دانش آموزان

در جریان انجام تکلیف های انفرادی ، معلمان باید بین دانش آموزان حرکت کنند و بر کار آنها نظارت داشته باشند. این توصیه به دو منظور صورت می گیرد، اول این که حضور فیزیکی معلم در کنار دانش آموزان ، دقت و توجه آنها را به تکلیفی که در دست دارند ، افزایش می دهد. دوم که مهم تر از اولی است ، این است که معلم با نظارت بر کار دانش آموزان می تواند در صورت نیاز مساعدت های لازم را به آنها بکند.

## محبت به دانش آموزان

معلمان باید علاقه و محبت خود را هم به صورت کلامی و هم از طریق ابزارهای غیر کلامی چون : توجه تمام و کمال به دانش آموزان ، حفظ و تداوم ارتباط چشمی با آنان ، لبخند زدن و ایما و اشاره نشان دهند. ما اغلب فراموش می کنیم که اکثر دانش آموزان برای معلمانی که برای آنها محبت می کنند و معلمانی که آنها را مورد احترام قرار می دهند ، هر کاری را انجام می دهند. در بیش تر موارد، دانش آموزان حاضرند هر کاری بکنند تا تایید چنین معلمانی را به دست آورند. آشکار است که معلمان باید در ابراز علاقه و محبت خویش نسبت به دانش آموزان صادق باشند و گر نه ، احترام آنان نزد دانش آموزانی که ریاکاری و دورنگی می بینند ، رو به افول می گذارد. (۱۴)

## یادگیری مشارکتی

یک مدل تدریس - یادگیری که در معرفت شناختی سیستمیک ارتباطی یافت شده - که در جهت بهبود های جذاب امید بخش است - یادگیری مشارکتی می باشد .

یادگیری مشارکتی به جنبه ای از مدیریت دموکراتیک فرایند تدریس - یادگیری برمی گردد که اساساً بر دانش آموز محوری متمرکز است. و در دهه های اخیر بطور گسترده ای در سطح بین المللی منتشر شده و برای گستره زیادی از افراد - از سن پیش دبستانی گرفته تا سنین و دوران های تخصصی - استفاده شده است. در ایتالیا انتشار - بحث و کاربرد این وجه آموزشی در دهه

<sup>5</sup>emmental computation exercises



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هشتاد تکامل یافت و در بین دانشگاهی ها کوموجیلو از دانشگاه هاروارد از دانشگاه مشارکت داشتند که هرکدام از آنها هم در تحقیقات علمی و هم در فعالیت های گسترده ی توزیع مشارکت داشتند. در کاوش اخیر راجع به کارآمدی گونه شناسی یادگیری مشارکتی نسبت به سایر جنبه های تدریس - یادگیری از بیش از ۹۰۰ مطالعه به عنوان مرجع انتخاب شده است. تا به امروز نه تنها آزمایشات و تجربیات در مورد حالت مشارکتی خیلی زیاد هستند بلکه تحلیلات علمی نیز زیاد هستند و این به وضوح نشان می دهد که این پدیده چقدر دامنه ی گسترده ای دارد. جوانبی که معمولا متناقض و متفاوت با نوع مشارکتی متصور می شوند از نوع رقابتی هستند که در آنها مقصود دستیابی به هدف کلی بدون دستیابی سایر افراد به آن هدف می باشد. و در نوع مبتنی بر استقلال فردی هدف رسیدن افراد به هدف کلی - جدا از این حقیقت است که سایر افراد به آن رسیده اند - می باشد. در تحلیل ارائه شده - (تحقیق در آمریکای شمالی - اروپا - خاورمیانه - آسیا و آفریقا انجام شده است.) - اعتبار افزون تری برای یادگیری مشارکتی نسبت به سایر روشها بیان کرده است. متغیرهای زیادی مورد مطالعه قرار گرفتند به عبارتی آنها موارد شناختی ویژه ای را مورد مطالعه قرار دادند به عنوان مثال: حفظ کردن - توانایی تبدیل دانش و توانایی تولید یادگیری پیچیده. به عبارت دیگر آنها گرایشات معطوف به خودشان و دیگران را مورد مطالعه قرار دادند. همانند عزت نفس (خود بینی) سلامت روانی - کاهش کلیشه ها و تعصبات و گسترش مهارت های اجتماعی. مهمترین ویژگی که در یادگیری مشارکتی مرا متاثر ساخت این است که یک مدل یادگیری که در آن فرایند های تحقیقاتی علمی با تکامل و پیشرفت مهارتهای اجتماعی ادغام شده اند. بنابراین اهدافی که بایستی محقق شوند نه تنها در مرحله تربیتی (آموزشی) بلکه در سطح اجتماعی نیز ایفای نقش می کنند. و به نظر بنده این جنبه ابتکاری اصلی می باشد. معلمان کلاس های درس همیشه در رشته تخصصی شان مسول سطح شناختی که دانش آموزان به آن می رسند هستند اما هیچ کس چنین چیزی را در مورد جو کلاس در سطوح روانشناختی و اجتماعی نمی تواند مطرح کند. تنش ها و تناقض های احتمالی بین افراد یا گروههای دانش آموزی - اعتقادات راسخ دانش آموزان در مورد که توسط مدرسه تعریف شده - گرایشات آنها به سمت دنیای تحصیل و جامعه در حالت کلی متوجه معلمان آموزشی نبوده چونکه کمترین ارتباط را با وظایف آنها دارند. بنابراین بنظر من یادگیری مشارکتی یک تکامل تدریجی از مدل های تدریس - یادگیری در مقابل آنچه که راجع به دیدگاه سیستمیک - ارتباطی بیان می شود می باشد اما باز هم خود را مسول کیفیت روابط شخصی در فرایند های آموزشی می داند. (۸) تحقیق انجام شده در ایتالیا که جان با آن همکاری داشت هم به اهمیت مدل تدریس - یادگیری در ریاضیات که مردم را به صورت یکپارچه در این چنین فرایندی دخیل میکند اشاره دارد. نه اینکه به آنها توجهی نشود. بنابراین مسول خصوصیات شخصی همه افراد (معلم و دانش آموز) دخیل در فرایند می باشد. ایده اصلی اشتراکی در این تحقیق که مولف به دقت انرا با معرفت شناختی ربط داده و توسط پولانی بیان شده این است که هر عمل شناختی فعالیتی است که همه عناصر انسانی مانند: حساسیت - احساسات - تعهد - ریسک پذیری - تصمیمات - انتخاب ها - عقاید - احترام به دیگران را در بر بگیرد. بنابراین بنظر می رسد کاملا غیرممکن است که با فرایند های آموزشی کار کرد که چنین پیچیدگی را مد نظر نداشته باشند. دلیل دیگر - با عمومیت کمتر اما نه اهمیت کمتر - که جدیت مرا در ارتقاء و بهبود یادگیری مشارکتی افزایش داده حقیقتی است که در این روش بحث کلاسی را بهتر سازماندهی می کند و تجزیه و تحلیل نهایی را بهتر امکان پذیر می سازد.

اهمیت بحث کلاسی به خصوص در سطح ملی قبلا به طور کامل در تحقیق تعلیمی تاکید شده است. کافی است که بطور مثال مطالعات انجام شده توسط بونی و مشارکت گروههای مختلف که توسط جادرسون جمع آوری شدند یا تفسیر موقعیت های خاص تعلیمی را به خاطر بسپاریم. آنچه که از این تحقیق حاصل می شود این است که در هر موردی راهبری یک بحث کلاسی مناسب کاری مشکل است. اغلب معلمان قادر نیستند که به همه فرصت کافی برای اظهار کردن دهند. و این امر مشارکت داوطلبانه برای



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

افرادی که به چنین حالتی عادت کرده اند را بوجود نمی آورد. همچنین قادر نخواهد بود مشارکت بچه ها که باعث افزایش ارتقاء خلاقیت می شود را جلب کند. قادر نخواهد بود که تحرکات اجتماعی را بطور دقیق مواظبت نکند. نمی تواند زمان را بطور مناسب مدیریت کند. از طریق گروههای مشارکتی - حداقل در تفاسیری که ما در تجربیاتمان ارائه داده ایم - ما ثابت کرده ایم که بحث کلاسی ساده شده است چونکه مرحله آخر بحث مخصوصا بین همه گروهها انجام می شود (و همچنین بر روی تعداد محدودی از طرح ها) در پی آن هر گروه قبلا درون خودش بحث کرده و به یک محصول نهایی رسیده اند (۳)

بنابراین مشارکت بچه ها در دو زمان پی در پی خواهد بود. یکی درون گروه خودش و دیگری در زمان بحث کلاسی که هر دو محصول (نتیجه) مورد نظر و مرحله مقایسه عمومی و بحث را تسهیل می کنند. همه این موارد در پارگراف بعدی که من جزئیات بیشتر در مورد تمریناتی که برای تشکیل گروههای مشارکتی در کلاس استفاده کرده ام را بیان می کنم بیشتر و واضح تر بیان خواهند شد. برای توضیح محرک های که مرا جهت گسترش و آزمایش پروژه های یادگیری وا داشتند مایلیم که بعضی از ایده های اصلی که این حرکت آموزشی شکل گرفت را بیان کنم. اکثر محققانی که سیر تکامل تاریخی یادگیری مشارکتی را دنبال می کنند اکثر به لوین به عنوان پدران این مدل آموزشی استناد می کنند. طبق فلسفه آموزشی دوی ضروری است که کسانی که در زمینه فرایند تدریس - یادگیری کار می کنند هم جنبه های شناختی و هم جنبه های انگیزشی و تعامل اجتماعی را مد نظر قرار دهند. مدارس در همه فرایندها باید به عنوان یک جامعه دموکراتیک و دانش آموزان به عنوان شهروندان یک جامعه دموکراتیک بایستی در ساخت محیط تحصیلی و فعالیت های یادگیری مشارکت کنند.

لوین - که مشارکت آنها در زمینه گروههای روانشناسی اجتماعی چشمگیر بوده - بر ضرورت تنظیم آموزش به روش مشارکتی به منظور ارتقاء جامعه تاکید می کنند. لوین در واقع به نحوی بر اهمیت تعاملات با دیگران و خصوصیات سازمان دهنده محیط به عنوان عناصری جهت تفسیر رفتارهای بشری تاکید می کند.

جانسون کسانی که در دهه ۷۰ زندگی تازه ای به تحرکات تحقیقی داده و نشر یادگیری مشارکتی را باعث شدند به لوین استناد می کنند. مفهوم وابستگی متقابل مثبت توسط مطرح شد و خصوصا به عنوان عنصر سازنده خلق یک تجربه یادگیری مشارکتی شناخته می شد.

شاران که به نظر می رسد از طرفداران یادگیری مشارکتی باشند هم به لوین استناد کرده اند دیگر یافته نظری آنها توسط پیاز و همه مکتب مطرح شده است. که در آن بر اهمیت تعارض به عنوان لحظاتی که دانش ساخته می شود تاکید می کند. در طی بحث کلاسی دانش آموزان بایستی یاد بگیرند که از فرصت ها، تعارضات و موقعیت های رابطه متقابل گاهگاهی که بوجود می آیند هم برای یادگیری وهم برای بهبود جنبه های یادگیری مشارکتی استفاده کنند.

امروزه محققان زیادی وجود دارند که به مطالعه مدل های یادگیری مشارکتی و طبقه بندی کردن انواع آن اهمیت می دهند. به عنوان مثال بعضی از مولفان شش نوع را بیان می کنند در حالیکه بعضی دیگر ده نوع را نام می برند. هدف این مقاله نه بیان چند گانگی این مدل هاست و نه اینکه نامگذاری های متفاوت آنها را مطرح کند بلکه تشریح بعضی از ویژگی های اصلی است که بین اکثریت آنها مشترک است و چونکه آنها مرتبط با کار آزمایش تعلیمی می باشند. در بین همه شرایطی که برای یادگیری مشارکتی وجود دارد اول از همه آنها وابستگی متقابل مثبت می باشد که زمانی حاصل می شود که اعضای گروه بدانند که افراد بدون موفقیت عمومی نمی تواند وجود داشته باشند و به عنوان یک نتیجه شکست فقط یک عضو به معنای شکست همه اعضا می باشد. هر یک باید شدیداً ملزم به ارائه یک مشارکت حتمی و سودمند برای تحقق پروژه مشترک می باشد و در این راه او باید حس

<sup>6</sup> Constructivist



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئولیت پذیری قوئی را ایجاد کند که به یک التزام و تعهد بزرگتر با نتایج مثبت جهت یادگیری تبدیل شود و توانایی او در کار درون گروهی را افزایش دهد. شرط مهم دیگر تعریف و واگذاری نقش ها به هر یک از اعضا می باشد. تقسیم بندی وظایف و مهارت های اجتماعی بین اعضای گروه همکاری و وابستگی متقابل را افزایش داده و اطمینان خاطر میدهد که توانایی های فردی برای کار مشترک بکاربرده شده اند و احتمال طفره رفتن (از زیر کار در رفتن) برای همکاری و تمایل سلطه جویی بر سایر اعضای گروه را کاهش می دهد. در این قالب ضروری است که تفاوت بین نقش و جایگاه اجتماعی که به او داده شده است تشریح شود. نقش توسط یک مرجع و صاحب قدرت داده به صورت سلسله مراتبی داده شده است در حالیکه جایگاه اجتماعی آن است که فرد توسط آن برای جامعه معرفی می شود نه تنها بخاطر استعداد های هوشی و سایر ویژگی ها بلکه همچنین بخاطر موقعیت اجتماعی اش. وابسته بودن به خصوصیات جایگاه اجتماعی انتظارات کلی مهارت هستند که با گروه مشترک نیستند بلکه مخصوص خود فرد هستند و این می تواند مانعی باشد برای آنچه که یک شخص انتظار دارد که در کار گروهی بدست آورد. کسی که جز افراد سطح پایین تصور می شود تمایل خواهد داشت که کمتر از فردی که متعلق به سطح بالا است کمتر دخالت کند در نتیجه فرصت کمتری را بدست خواهد آورد مهارتش را ارتقاء دهد و نهایتا در همان سطح پایین می ماند. با واگذاری یک نقش به دانش آموز تحقق کامل به خودمختاری او داده شده است یعنی او اجازه داده شده است که تصمیم بگیرد، ارزیابی کند و کنترل کند. هنگامیکه چندین نقش با هم کار می کنند یک توازن قدرت ایجاد می شود که هر کدام از افراد را تبدیل به یک سرگروه می کند. در این حالت هر شخصی شخصیت، احساسات، توانایی تصمیم گیری و مدیریت مهارت های رادر عمل نشان می دهد. تشخیص یک نقش به عنوان عضوی از کلاس که از توجه به مشکلات فرد سر برآورد و توسط روابط بین فردی پر شده باشد برای غلبه بر مشکلات احتمالی تشویق خواهد کرد که به تنهایی با جایگاه اجتماعی قابل حل شدن نیستند. عنصر دیگری که در تکمیل کردن ملاحظات یادگیری مشارکتی ضروری است توانایی های اجتماعی می باشد. مدیریت موثر روابط بین فردی نیازمند این است که دانش آموزان بدانند که چطور نقش رهبری درون یک گروه را ایفا کنند، تصمیم بگیرند، ابراز عقیده کنند، و گوش کنند اطلاعات بگیرند و اطلاعات بدهند، مباحث را شروع کنند، بدانند که چطور میانجیگری کنند و اطلاعات را به اشتراک بگذارند، بدانند که چطور تشویق و کمک کنند، ارتباط را تسهیل کنند، اعتماد سازی کنند، و تعارض ها را حل کنند. این توانایی ها همانند توانایی های تادیبی (رشته ای - تخصصی) بایستی با همان دقت و آگاهی تدریس شوند. در مورد ارزیابی مساله، یادگیری مشارکتی نیازمند این مهم است که نتایج حاصله بایستی در سطح فردی و هم در سطح گروهی مورد توجه قرار گیرند. کار گروهی معمولا با یک ارزیابی فردی از جنبه های ارتباطی و تادیبی به پایان می رسد که معمولا به معلم تفویض شده است. اما یک مرحله برای بحث نیز اهمیت دارد که در آن گروه می تواند در مقایسه با سایر ارزیابی کند آنچه را که تولید کرده است. ارزیابی یک گروه به این صورت محرک قوئی را برای اعضا ایجاد میکند که ناچارا به پیشرفت شخصی تبدیل می شود. از آنچه که نشان داده شد می توان فهمید که نقش معلم چقدر مهم است. همزمان با مهارت های رشته ای (تخصصی) مهارت های اجتماعی نیز مهمند. معلم باید راجع به آنها تصمیماتی در مورد تشکیل گروهها - ارتقاء مهارت های اجتماعی ذکر شده - بررسی تناسب کار گروهی - مداخله با تصمیمات به موقع - تشویق بحث - بالا بردن نفوذ و ارزیابی نتایج حاصله اتخاذ کند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیشینه تحقیق

تحقیقات ریچاردسان نشان داده است که معلمان رفتار خود را در کلاس ناشی از تجارب بدست آمده در طول سالها آموزش و پرورش دانش آموزان می دانند. اما معلمان جدید و کسانی که تجارب اندکی دارند، کجا باید چنین آموزشی را ببینند و مهارت کسب کنند؟ هر چند برای آموزش مهارت های مدیریت کلاس کتاب هایی وجود دارد، اما کافی نیست. یکی از دلایل سردرگمی معلمان در برابر حل مشکلات مربوط به انضباط، نداشتن اطلاعات و آگاهی کافی است. بسیاری از معلمان یا آموزش اندک دیده اند یا با استفاده از تئوری، تحقیق و تمرین در مورد ایجاد انضباط در مدارس را آموخته اند.

پلاکس، کیرنی و توکر با بررسی مطالبی که طی سالها در این باره نگاشته شده است، نتیجه می گیرند که «برای معلمان دوره ی ابتدایی و متوسطه، بزرگترین مشکل دوران تحصیلی، یادگیری شیوه ی مدیریت کلاس است. به گفته ی جانز برای چنین معلمانی جای تعجب نیست که رفتارهای گسیخته ی دانش آموزان، بزرگترین عامل فشار روانی بر معلم و احساس نارضایتی شغل باشد. بنابراین هم دست اندرکاران آموزش معلمان باید امکانات جدیدی را تدارک ببینند و هم معلمان به طور منظم دانش خود را پیرامون مدیریت کلاس ارزیابی کنند و به طور پیوسته به اطلاعات جدید مجهز گردند و از کتب و نظریات علمی جدید بهره ببرند.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نتیجه گیری

کلاس به عنوان جامعه ای کوچک و فرعی از افراد مختلفی تشکیل شده است و روابط معلم و دانش آموزان باید طوری باشد که نیازهای تعلق و وابستگی، دوست داشتن و دوست داشته شدن، به رسمیت شناخته شدن، ارزش داشتن، احترام و شکوفا شدن استعدادها تأمین شود. شناخت جو عاطفی کلاس می تواند بازخورد با ارزشی برای معلمان فراهم کند، چرا که این عامل در ترک تحصیل، غیبت از کلاس، اندوه و افسردگی دانش آموزان، عدم رضایت و علاقه به درس و یادگیری و غیره اثر دارد. آنچه در حیات انسانی حائز اهمیت است نیاز به همزیستی با یکدیگر و روابط انسانی است. روابط انسانی موهبتی است که در انسان به ودیعه گذاشته شده تا بتوانند یکدیگر را درک کنند و با هم زندگی کنند. روابط انسانی سرمنشأ رفع همه نیازهای انسانی است. در سایه ی روابط انسانی روان انسان، تلطیف می یابد، استعدادش می شکفت و به بار می نشیند. تعلیم، تغییر در رفتار است و مدرسه جولانگاه تغییر و تبدیل است. پایه و اساس تغییر هم عشق و محبت است که در روابط انسانی محقق می گردد. تا مدیر با معلم، مدیر با دانش آموز، مدیر با اولیاء و... رابطه برقرار نکند چگونه می تواند احساسات و عواطف خود را بدانها منتقل کند و موجب تغییر گردد؟ از عوامل مهمی که بر روابط انسانی در آموزشگاه اثری غیر قابل انکار دارد شرایط و جو حاکم بر مدرسه است و مدیر به عنوان هماهنگ کننده، در ایجاد جو مسئولیتی سنگین تر دارد. رابطه عاطفی معلم و شاگرد نامناسب بودن فضای آموزشی و احساس راحتی نکردن دانش آموز یادگیری او را متاثر می کند. ما همه دانش آموزان را هم از نظر هوش، استعداد و عاطفی بودن یکسان فرض می کنیم و مطالب یکسانی را نیز به آنها می آموزیم و استرس امتحان را نیز در آنها ایجاد می کنیم، همه این عوامل هم بر یادگیری آنها تاثیر منفی می گذارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- ۱- حجازی، یوسف؛ پرداختچی، محمدحسن؛ شاه پسند، محمدرضا (۱۳۸۸). رویکردهای توسعه حرفه ای معلمان . تهران: دانشگاه تهران.
- ۲- امام جمعه، محمدرضا؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴). نقد و بررسی رویکردهای تدریس فکورانه به منظور ارائه برنامه‌ی درسی تربیت معلم فکور. مطالعات برنامه درسی، ۶۶-۳۰.
- ۳- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹). جستاری در پژوهش در آموزش و پرورش: سطوح و گستره‌ی تحقیقات آموزشی. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۴- توویلا دل، ۱۳۷۷ ترجمه احمد رضا اشرف العقلایی، روش ایجاد انگیزه در افراد، چاپ اول ، ناشر بصیر
- ۵- تورانی، حیدر ۱۳۸۶، شوق تغییر، چاپ سوم نشر تهران، مدرسه
- ۶- اعتمادی اهری علاء الدین ۱۳۸۵، نو اندیشی در مدیریت آموزشی، چاپ اول پاییز ، نشر و پژوهش دادار
- ۷- غلامعلی سرمد، ۱۳۸۴ روابط انسانی در سازمانهای آموزشی، چاپ چهارم پاییز ، انتشارات سمت
- ۸- احاراری، رضا، آموزش و پرورش تطبیقی و نظامهای آموزش و پرورش در چند کشور در حال توسعه و توسعه یافته، دایره - المعارف شوراهای آموزش و پرورش جلد دوم- انتشارات آذر برزین مهر- ۱۳۸۲
- ۹- سلطانی ، ایرج، نقش نظام آموزش و پرورش در نهادینه کردن تفکر مشارکتی - فصلنامه مدیریت دوره هشتم، بهار و تابستان ۸۱
- ۱۰- یغما، عادل، (۱۳۸۴)، کاربرد روش ها و الگوهای تدریس، تهران ، انتشارات مدرسه، چاپششم.
- ۱۱- اسپالدینگ، چریل ال. (۱۳۸۷)، انگیزش در کلاس درس، مترجم محمد رضا نایینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران ، انتشارات مدرسه.
- ۱۲- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، تهران ، نشر روان.
- ۱۳- سرتیپی، سیاوش، (۱۳۸۰) روابط معلم و شاگرد، تهران ، انتشارات فاخته.
- ۱۴- آقاجانی، احمد (۱۳۹۰)، آموزش مهارت حل مسئله به کودکان، مقاله تالیفی فصل نامه علمی-تخصصی کودک، نوجوان و رسانه، سال اول، شماره ۱-۲ ، تابستان و پاییز، صص ۸۰-۹۹.
- متین، نعمت الله (۱۳۷۹)؛ معلم پژوهنده راهی برای تقویت بینش علمی معلمان. پژوهش نامه آموزشی، ۲۴، ۱۲-۹.